



دانشگاه علامه طباطبائی
دانشکده ادبیات و زبان فارسی

با عنوان:

ترجمه و تحلیل نه فصل اول کتاب «فی النقدالتطبیقی والمقارن»

از محمدغنیمی هلال

نگارش :

آمنه قربانی

استاد راهنما:

دکتر محمدحسن حسن زاده نیری

استاد مشاور :

دکتر علی گنجیان خناری

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد

در رشته ادبیات تطبیقی

بهمن ۹۱

فرم گردآوری اطلاعات پایان نامه ها
کتابخانه مرکزی دانشگاه علامه طباطبائی

عنوان: ترجمه و تحلیل نه فصل اول کتاب "فی النقد التطبيقی والمقارن" از محمد غنیمی هلال	
نویسنده / محقق: آمنه قربانی	
مترجم: آمنه قربانی	
استاد راهنما: دکتر محمدحسن حسن زاده نیری استاد مشاور / استاد داور: دکتر علی گنجیان خناری	
کتابنامه: دارد	واژه نامه:
نوع پایان نامه:	بنیادی × توسعه ای کاربردی
مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد	سال تحصیلی: ۱۳۹۰
تعداد صفحات:	گروه آموزشی: زبان و ادبیات فارسی
کلید واژه ها به زبان فارسی: ترجمه، ادبیات تطبیقی، غنیمی هلال، فلسفه و ادبیات.	
کلید واژه ها به زبان انگلیسی: translation, comparative literature, ghonaimi helal, philosophy and literature.	

چکیده:

الف: موضوع و طرح مسئله (اهمیت موضوع و هدف):

با توجه به اینکه رشته ادبیات تطبیقی در ایران، رشته ای نوپاست، ترجمه کتاب "فی النقدالتطبیقی والمقارن" با هدف افزودن منابع مهم این رشته برای دستیابی آسان دانشجویان به منابع موردنظر است.

ب: مبانی نظری شامل مرور مختصری از منابع، چارچوب نظری و پرسشها و فرضیه ها:

در ترجمه این کتاب از فرهنگها و دایره المعارفهای متعددی استفاده شده است. سعی شده که به این پرسشها پاسخ داده شود: ۱. ارتباط ترجمه و ادبیات تطبیقی چگونه است؟ ۲. آیا ترجمه‌ی کتابهایی از این دست می‌تواند به پیشرفت این رشته در ایران کمک کند؟

پ: روش تحقیق شامل تعریف مفاهیم، روش تحقیق، جامعه مورد تحقیق، نمونه گیری و روشهای نمونه‌گیری، ابزار اندازه‌گیری، نحوه اجرای آن، شیوه گردآوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها:

روش تحقیق به صورت کتابخانه‌ای و توصیفی است.

ت: یافته‌های تحقیق:

غنیمی هلال در این کتاب علاوه بر پرداختن به ادبیات تطبیقی مکتب فرانسه، به مکتب آمریکا هم نظر داشته و به نقد آثار غربی و عربی پرداخته است.

ث: نتیجه‌گیری و پیشنهادات:

به نظر می‌رسد ترجمه کتابها و مقالات در زمینه ادبیات تطبیقی، ضروری به نظر می‌رسد. برای پیشرفت در این رشته به مطالعات گسترده‌ای نیاز است تا با انتخاب منابع مهم‌تر و مفیدتر به ترجمه این آثار پرداخته شود.

صحت اطلاعات منابع در این فرم براساس محتوای پایان نامه و ضوابط مندرج در فرم گواهی می‌نماییم.

رئیس کتابخانه:

نام استاد راهنما:

هیات علمی:

نام دانشکده:

تقدیم بہ:

اسوہ ہی فداکاری و گذشتہ

ماری عمر

کہ ہمیشہ، زیر پای او معنا پیدا کرد...

چکیده

محمد غنیمی هلال در زمینه‌ی ادبیات تطبیقی و نقد ادبی به نوشتن آثار متعددی پرداخته است. وی آثاری را از زبان‌های مختلف همچون فرانسه، فارسی و ... به عربی ترجمه کرده است. می‌توان گفت که ترجمه، رابطه‌ای تنگاتنگ با ادبیات تطبیقی دارد. کتاب «درباره‌ی نقد کاربردی و تطبیقی» از این نویسنده، فقط به ادبیات تطبیقی مکتب فرانسه پرداخته، بلکه به مکتب آمریکا هم نظر داشته است. غنیمی هلال علاوه بر بررسی ارتباط ادبیات عرب با ادبیات دیگر ملل، ارتباط ادبیات با علومی همچون روانشناسی، فلسفه و ... را هم بررسی می‌کند.

کلید واژه‌ها: ترجمه، ادبیات تطبیقی، غنیمی هلال، فلسفه و ادبیات.

فهرست

۱	فصل اول: پیشگفتار، تعاریف و کلیات
۲	پیشگفتار
۲	۱-۱ ترجمه و مسائل آن
۳	۱-۲ ترجمه در لغت
۴	۱-۳ ترجمه در اصطلاح
۴	۱-۴ ترجمه و اهمیت آن
۴	۱-۵ تاریخچه مختصری از ترجمه
۵	۱-۶ ترجمه در دوره عباسی
۶	۱-۷ انواع ترجمه
۶	۱-۷-۱ ترجمه ی واژه به واژه یا تحت اللفظی
۸	۱-۷-۲ ترجمه شفاهی
۸	۱-۸ اهمیت "ترجمه" در ادبیات تطبیقی
۹	۱-۹ "ترجمه" در ایران
۱۳	فصل دوم
۱۳	ترجمه ی نه فصل اول کتاب «فی النقد التطبیقی و المقارن» از محمد غنیمی هلال
۱۴	۲-۱ مقدمه
۱۶	۲-۲ جایگاه ادبیات عرب و نقد آن در جریانهای جهانی
۲۴	۲-۳ عوامل تأثیرگذار غرب در داستان عربی
۴۰	۲-۴ «وقوف بر اطلال بین ادبیات عربی و فارسی»
۵۶	۲-۵ فن «صورت اخلاقی» بین تیوفاست، لابرو ییرو جاحظ
۶۷	۲-۶ «هیپاتیا» اولین فیلسوف زن مصری

۷۵ <u>۷-۲ فلسفه ی ادبیات از نگاه سارتر</u>
۸۶ <u>۸-۲ آیا دعوت جدید ژان پل سارتر ، به معنی تحول نظریات وی است؟</u>
۹۴ <u>۹-۲ سوسیالیسم در فلسفه ی سارتر و نقد آن</u>
۱۰۰ <u>فصل سوم</u>
۱۰۰ <u>ارتباط ادبیات و فلسفه</u>
۱۰۱ <u>۱-۳ ارتباط فلسفه و ادبیات</u>
۱۰۷ <u>۲-۳ نتیجه گیری:</u>
۱۰۹ <u>منابع</u>

فصل اول:

پیشگفتار، تعاریف و کلیات

پیشگفتار

پایان نامه پیش رو ترجمه‌ی نه فصل اول کتاب « فی النقد التطبیقی والمقارن » از دکتر غنیمی هلال است. موضوع کتاب همان گونه که از نام آن پیداست نقد کاربردی و تطبیقی است. نویسنده در این کتاب علاوه بر پرداختن به ادبیات تطبیقی مکتب فرانسه نگاهی هم به مکتب آمریکا داشته است. در فصل‌های مختلف کتاب درباره‌ی ادبیات ملت‌ها و تاثیر آن‌ها بر یکدیگر سخن گفته، همچنین از تاثیر علوم مختلف مانند فلسفه، روانشناسی و ... سخن به میان آورده است. دکتر غنیمی هلال در سال ۱۹۱۶ م در مصر متولد شد. تحصیلات ابتدایی خود را در مصر به پایان رساند و برای ادامه‌ی آن و تخصص در رشته‌ی ادبیات تطبیقی راهی فرانسه شد و در درجه‌ی دکترای ادبیات تطبیقی از دانشگاه سوربن فارغ التحصیل شد. وی کتاب‌ها و مقالات فراوانی را در زمینه‌ی ادبیات تطبیقی به چاپ رسانده است و به نظر می‌رسد که ترجمه‌ی کتاب‌های ایشان منابع خوبی برای کسانی باشد که قصد مطالعه، پژوهش و تحقیق در این رشته را دارند.

با توجه به تخصصی بودن متن کتاب، نبود فرهنگ‌های اصطلاحی، ترجمه‌ی این گونه کتاب‌ها را دشوار می‌کند. امید است با تالیف فرهنگ‌های اصطلاحی، بتوان راه را برای ترجمه‌ی این گونه کتاب‌ها هموار کرد. این پایان نامه در سه فصل تنظیم شده است. در فصل اول به کلیات، شامل مباحثی درباره‌ی ترجمه، تاثیر ترجمه در ادبیات تطبیقی و معرفی نویسنده پرداخته شده است. فصل دوم، ترجمه‌ی نه فصل اول از کتاب « فی النقد التطبیقی و المقارن » از دکتر غنیمی هلال است. فصل سوم به فلسفه و ارتباط آن با ادبیات اختصاص دارد که چند فصل کتاب درباره این موضوع است.

با توجه به اهمیت موضوع ادبیات تطبیقی در ایران و کمبود کتاب‌هایی در این زمینه، با راهنمایی استادان راهنما و مشاور با انتخاب این موضوع (ترجمه) سعی شد که گامی بسیار ناچیز در این زمینه برداشته شود. بر خود لازم می‌دانم که از استادان بزرگوارم جناب آقای دکتر حسن زاده و جناب آقای دکتر گنجیان که راهنمایی و مشاوره این پایان نامه را پذیرفتند سپاس‌گزاری کنم.

۱- ترجمه و مسائل آن

«لزوم پیوند و همکاری میان کشورها در زمینه‌های مختلف علمی و ادبی، ویژگی‌های برجسته‌ی جهان معاصر است و این تعاون و تعامل جز به مدد ترجمه، میسر نخواهد شد. امروزه تصور پیشرفت علم و ادبیات و فرهنگ جهانی و دیگر زمینه‌های روابط بین‌المللی بدون توجه به نقش ترجمه ناممکن به نظر می‌رسد. از این رو ما شاهد گسترش روزافزون قلمرو ترجمه و نقش آن در توسعه‌ی فرهنگ‌های ملی، روند فرهنگ جهانی و مبادلات بین‌المللی هستیم.»

از سویی دیگر تعامل دو زبان فارسی و عربی به عنوان زبان های کهن و اصیلی که در حوزه ی اسلامی قرار دارند و از ادبیات غنی و سرشار و پیشینه ی پرافتخار و کم نظیری برخوردارند، همواره ضروری و اجتناب ناپذیر بوده است.» (ناظمیان، ۱۳۸۱: ۱)

«تعاریف زیادی درباره ی فرآیند ترجمه و نوشته های بسیاری در مورد وظایف مترجم و اصول و روشهای مختلف عرضه شده است که همگی از « برقراری تعادل معنایی بین زبانهای مبدأ و مقصد»، « انتقال پیام نویسنده ی اصلی به زبان مقصد»، « رعایت امانت در پیام متن مبدأ» و نظایر اینها سخن به میان آورده اند ولی به ندرت مشاهده می شود که این سخنان از حد کلی گویی و توصیه های اخلاقی پافرا تر نهاده و درباره ی ماهیت فرایند ترجمه، روشهای رعایت امانت و حفظ تعادل معنایی بین زبانهای مقصد و مبدأ بحث کرده باشند.» (پورساعدی، ۱۳۷۶: ۱۱)

«روشی می تواند در مطالعه ی ساختمان زبان و فرایند ارتباط زبانی بین انسانها موفق و عاری از تناقض باشد که به ماهیت تبادل پیام در این فرایند و منشأ پیدایش معنا و کلیه ی عوامل درون زبانی و برون زبانی حاکم بر آن توجه کند و سعی نماید اصول خودش را به کمک بررسی عینی این فرایندها و عوامل تنظیم کند و عینیت ببخشد. باتوجه به آخرین یافته های مطالعات زبان شناسی چنین روشی عبارت است از سخن کاوی و متن کاوی که بر اساس آن معنا و پیام در زبان چیز پیش ساخته ای نیست که در ارتباطات زبانی توسط ساختارهای زبانی (دستور زبان و واژگان) بین انسانها رد و بدل شود بلکه چیزی است که در فرایند تعامل و کنش و واکنش کلیه ی عوامل حاکم بر موقعیت ارتباطی (عوامل درون زبانی و برون زبانی) متبلور می شود و چنین فرایندی به فرایند سخن معروف است. متن ساختارهای زبانی محصول چنین فرایندی را به مخاطب عرضه می کند که ترفند ها و روشهای متنی عرضه شده در آن به عوض اینکه معنا و پیام متکلم را به طور پیش ساخته به مخاطب عرضه بدارد، حامل اشارات و شاخص هایی است که به وسیله ی آنها مخاطب فرایند ادراکی خویش را برای دریافت یک پیام (که شاید معادل برداشت مورد نظر متکلم باشد) به کار می اندازد.» (همان، ۱۳۷۶: ۱۲)

۱-۲ ترجمه در لغت

« تَرْجَمَهُ » در لغت، بر وزن « فَعَلَّه » مصدر رباعی مجرد از ماده « تَرْجَمَ يُتْرَجِمُ » به معنای برگرداندن کلام از زبانی به زبان دیگر است. اغلب لغت نویسان واژه ی « ترجمان» را مدخل اصلی « ترجمه» ذکر کرده اند.» (معروف، ۱۳۸۷: ۵)

«از مجموع آراء و نظرات، چنین استنباط می شود که واژه ی «ترجمان» به معنای «مترجم» از زبان فارسی وارد عربی شده، زیرا وزن « فَعْلان» به معنای اسم فاعل در عربی رایج نیست و حتی سیبویه نیز در مبحث اسم فاعل به آن

اشاره نکرده است. براین اساس فعل « تَرْجَمُ يُتْرَجُ تَرْجَمَه » بعدها از آن مشتق شده است. این شیوه از واژه سازی در عربی بسیار متداول و معمول است.» (همان، ۱۳۸۷: ۷)

۱-۳ ترجمه در اصطلاح

«ترجمه در اصطلاح عبارت است از یافتن نزدیک ترین و دقیق ترین معادل برای واژگان زبان مبدأ، به طوری که روش و سیاق گوینده حفظ گردد. در یک جمع بندی کلی می توان معانی اصطلاحی ترجمه را منحصر به سه بخش دانست:

- ۱- برگرداندن کلمات و عبارات یک زبان به زبان دیگر.
- ۲- تفسیر کلام. براین اساس، برخی ترجمه ی کاملاً آزاد را جایز می دانند زیرا عقیده دارند ترجمه به معنای تفسیر کلام است.
- ۳- شرح حال و سیرت اشخاص. « تَرْجَمَةُ الْمُؤَلَّفِ : شرح حال مؤلف » در آغاز کتابهای عربی بدین معناست.» (همان، ۱۳۸۷: ۷)

۱-۴ ترجمه و اهمیت آن

«ترجمه در طول تاریخ، همواره مورد توجه خاص و عام بوده و به عنوان یکی از ابزارهای ارتباطی بشر مورد توجه قرار گرفته است. امروزه اهمیت ترجمه و تأثیر شگرف آن در زندگی بر کسی پوشیده نیست. در اهمیت آن همین قدر می توان گفت که اگر ترجمه نبود آگاهی از اقوام و ملل دیگر، هرگز میسر نمی شد. زیرا انسانها از یک سو نیازمند علوم و فنون یکدیگرند و از سوی دیگر به دلیل اختلاف زبانها قادر به ارتباط مستقیم نیستند و لذا چاره ای جز روی آوردن به ترجمه را ندارند. خوشبختانه پیشرفت علوم و تکنولوژی مخصوصاً رایانه ها، در چند دهه ی اخیر کمک شایانی به ارتباط زبانی ملتها کرده، اما باز هم ترجمه به عنوان نوعی « داد و ستد اندیشه » حرف اول را می زند.» (همان، ۱۳۸۷: ۸)

۱-۵ تاریخچه مختصری از ترجمه

«تاریخ اولیه ترجمه را باید به زمانی نسبت داد که دو انسان ناهم زبان به هم رسیده اند و نیاز به ایجاد رابطه و گفت و شنود داشته اند. در این معنا، عمر ترجمه شفاهی بسیار قدیمی و دراز است. طبیعی است که اولین بار بشر از طریق اشاره ی حرکات دست و چشم و سایر اعضا توانسته مقصود خود را به غیر هم زبان خویش بفهماند. ترجمه ی مکتوب هم عمر چند هزار ساله دارد، سنگ نوشته های موجود در گوشه و کنار عالم مثل آنچه در بیستون یافت می شود و دو هزار و پانصد سال قدمت دارد، گواه رونق ترجمه در آن روزگار کهن

است. اما شروع رسمی ترجمه در میان اعراب، به روزگار پیامبر اکرم(ص) برمی گردد. زیرا حضور سلمان فارسی و دیگر مسلمانان غیرعرب در صدر اسلام، سفرهای تابستانی و زمستانی قریش، تجارت اعراب با روم و ایران و ارسال سفرا از جانب پیامبر(ص) به سایر کشورها از جمله ایران و روم، به طور طبیعی نیاز به ترجمه را ملموس تر می کرده است. سپس در قرن دوم هجری، امویان فعالیت هایی در زمینه ی ترجمه ی آثار ارسطو انجام دادند که مقدمه ی خوبی برای ادامه ی نهضت ترجمه در عصر عباسی شد. این در حالی بود که ایرانیان در عرصه ی ترجمه گام های بلندی پیموده بودند. ترجمه ی کلیله و دمنه از سانسکریت به پهلوی در زمان ساسانیان و ترجمه ی آن از عربی به فارسی توسط نصرالله بن محمد بن عبدالحمید منشی بهرام شاه غزنوی نمونه ی گویای این حقیقت است.

۱-۶ ترجمه در دوره عباسی

با سقوط امویان سیادت عرب از بین رفت. عباسیان که با حمایت ایرانیان به قدرت و شوکت رسیده بودند اعتمادی به اعراب نداشتند. در نتیجه آنان را از حکومت و قدرت و دخالت در امور کشور منع می کردند و پست های مهم را به ایرانیان می سپردند. این نفوذ تا بدانجا بود که اعراب را به مناطق دور دست تبعید می کردند تا مبادا بر ضد آنها دست به اقداماتی بزنند، بنابراین ایرانیان، در دولت عباسی جایگاهی ممتاز داشتند. نفوذ ایرانیان چنان بود که پایتخت را از دمشق به کوفه و سپس به بغداد که به خراسان نزدیک تر بود منتقل کردند. برخی از صاحب نظران، دوره ی عباسی را عصر اختلاط عرب با غیر عرب می دانند زیرا دربار عباسیان مملو از کسانی بود که از نژاد فارس، ترک، رومی و غیره بودند.

از سویی دیگر اجتماع نژادهای مختلف با زبانهای متعدد در بغداد، نیاز به ترجمه را عینی تر می کرد به همین سبب عباسیان در ایجاد مراکز نشر فرهنگی و ترجمه ی آثار فارسی، هندی و یونانی به عربی با یکدیگر رقابت می کردند. این نیاز موجب شد مأمون عباسی در روزگار خود هیأتی مرکب از حجاج ابن مطر و ابن بطریق و سلما متصدی «بیت الحکمه» و چند تن دیگر را روانه ی بیزانس کند تا از نسخه های خطی، کتابهای مورد نظر را انتخاب کرده، به عربی ترجمه کنند. نهضت ترجمه در دوره ی عباسی تا بدانجا پیش رفت که کتابهای ارسطو، افلاطون، جالینوس، بقراط، بطليموس و اقلیدس در نجوم و ریاضیات در دسترس عرب زبانان قرار گرفت. جرجی زیدان می نویسد: «تعداد کتابهای ترجمه شده در این دوره به صدها جلد می رسد که بیشتر آنها از یونانی و در موضوعات مختلف است. از جمله ی این کتابها: ۸ عنوان از تألیفات افلاطون در فلسفه و ادبیات؛ ۱۹ عنوان از ارسطو در فلسفه، منطق و ادبیات؛ ۴۸ عنوان از جالینوس در طب و بیش از ۲۰ عنوان در ریاضیات و

نجوم از اقلیدس و دیگران بود و از فارسی حدود ۲۰ عنوان در تاریخ و ادبیات و حدود ۳۰ عنوان از سانسکریت که بیشتر در ریاضیات، طب، نجوم و ادبیات بود.

با اهتمام عباسیان بسیاری، زبان و ادب عربی را فراگرفتند و توانستند کتابهای بی شماری را از فارسی، هندی، یونانی، لاتین و عبری به عربی ترجمه کنند. شوقی ضیف در این زمینه می نویسد: کار ترجمه که آغاز نهضت و تحوّل بزرگ در اندیشه عربی به حساب می آید، آن چنان بالا گرفته بود که به خاطر آن « دارالحکمه » تأسیس شد و در آن مترجمان با تلاش و کوشش به ترجمه آثار مشهور و ارزشمند علمی، فلسفی، پزشکی، ریاضی، ادبی و نجومی ملل متمدن آن عصر پرداختند و از هر ملتی بهترین اثر را به عربی برگردانند و بدین سان تحول بزرگی در فکر و اندیشه ی عربی به وجود آوردند. از سویی دیگر وجود بزرگانی چون عبدالله بن مقفع که با دو فرهنگ فارسی و عربی آشنایی کامل داشتند، بهترین موقعیت را برای ترجمه ی فارسی به عربی و بالعکس فراهم ساختند. ابن مقفع با ترجمه ی کلیله و دمنه از پهلوی به عربی موجبات آشنایی عرب زبانان با این کتاب ارزشمند را فراهم کرد، کتابی که با لقب « گنجینه حکمت شرق » دنیایی از معانی را در خود جای داده است.» (همان، ۱۳۸۷: ۸-۱۲)

۱-۷ انواع ترجمه

«صاحب نظران در تقسیم انواع ترجمه، اسامی گوناگونی بر آن اطلاق کرده اند که مشهورترین آن عبارتند از:

۱-۷-۱- ترجمه ی واژه به واژه یا تحت اللفظی

این نوع ترجمه، اغلب به دلیل نارسا بودن، نسبت به سایر انواع ترجمه از مقبولیت کمتری برخوردار است و زیانهای نیز بر آن مترتب است زیرا « ترجمه تحت اللفظی در پاره ای موارد، گنگ و رمز ناگشوده است و ارزش ارتباطی آن ناچیز است». شاید علت آن این باشد که مفردات ترجمه (زبان مقصد) با مفردات اصل (زبان مبدأ) برابر است. این قبیل ترجمه ها اغلب از نظر ساختار دستوری برگردانی از زبان مبدأ هستند.» (همان، ۱۳۸۷: ۱۳)

۱-۷-۲ ترجمه ی دقیق و روان

«ترجمه ی دقیق و روان، متدوال ترین نوع ترجمه است که در نقل متون مختلف ادبی، دینی و علمی کاربرد وسیعی دارد. زیرا مترجم علاوه بر ترجمه الفاظ، به عبارات معنا و مفهوم می بخشد. بدین معنا که اگر در جمله کنایه، استعاره، ضرب المثل و غیره به کار رفته باشد آن را به زبانی قابل فهم برمی گرداند تا مقبول طبع همگان قرار گیرد. در این نوع ترجمه، مترجم باید مراعات امانت را بنماید تا مبادا چیزی علاوه بر آنچه مؤلف نوشته بنویسد و آحياناً مطالب تحریف شود. این قسم از ترجمه می تواند ادبی نیز نگاشته شود. در ترجمه دقیق و روان سلاست و انسجام کلام باید طوری باشد که خواننده به کلی فراموش کند که ترجمه کتابی را می خواند بلکه

احساس کند اثر فصیحی را به زبان اصلی می خواند. نباید فراموش کرد که هیچ ترجمه ای نمی تواند دقیق باشد و عیناً محتوای زبان مبدأ را منعکس نماید. مطابقت ترجمه با اصل همواره تقریبی است هر اندازه این تقریب بیشتر باشد ترجمه به متن نزدیک تر خواهد بود». (همان، ۱۳۸۷: ۱۷)

۱-۷-۳ ترجمه ی آزاد

در این نوع ترجمه جملات و عبارات متن اصلی به دلخواه مترجم پس و پیش می شود و گاه مطالبی غیر از گفته های مؤلف بر آن افزوده و یا از آن کاسته می شود. ترجمه ی آزاد در واقع به خروج از سیاق عبارات گوینده ی زبان مبدأ است و دامنه ی آن تا بدانجا پیش می رود که ممکن است با اقتباس از نوشته ی مؤلف، مطالب وی چندین برابر متن اصلی افزایش یابد. و چه بسا در این مسیر، کتاب یکصد صفحه ای پس از ترجمه به چندین برابر افزایش یابد. در این حالت برخی پیشنهاد می کنند مترجم در صفحه ی اول کتاب، عبارت « ترجمه و اقتباس» را قید کند اما گروهی دیگر معتقدند عبارت « ترجمه ی آزاد» وافی به مقصود است. زیرا اصل مطالب، زائیده ی فکر و اندیشه نویسنده ی اصلی است نه حاصل تفکر مترجم. در واقع در این نوع ترجمه ها، با حفظ اصل معنا و مقصود مؤلف، مطالبی بیان می شود که در اصل کتاب نیست ولی در اساس با آن مطابق است و حول محور کلام مؤلف دور می زند.

ترجمه ی آزاد همواره توجه موافقان و مخالفان زیادی را به خود اختصاص داده و در نهایت از گزند انتقادهای شدید مخالفان در امان نمانده است؛ از جمله این که گفته شده « ترجمه آزاد ترجمه ای مملو از دخل و تصرف به قصد مقبول طبع کردن آن در میان خریداران کتاب است و در آن، نظرات مترجم مطرح می شود نه مصنف، بنابراین مطرود است.» علاوه بر آن گفته شده «در ترجمه ی آزاد مترجم ضمن عبور از زبان مبدأ به طرف زبان مقصد، اطلاعات اضافی غیر موجود در زبان مبدأ را به زبان مقصد منتقل می کند حتی حقایق را هم تحریف می کند.»

از طرف دیگر موافقان ترجمه ی آزاد عقیده دارند « ترجمه» به معنای «تفسیر کلام» است و بر اساس آن ترجمه آزاد را جایز می دانند و اشکالی در آن نمی بینند. به عقیده ی آنان این نوع ترجمه، به سبب اضافات مترجم، از هیأت ترجمه بیرون می آید و رنگ و بوی تالیف به خود می گیرد. بنابراین از متن اصلی زیباتر است. گرچه این مطلب ممکن است تا حدی جالب به نظر برسد اما رعایت امانت علمی و پرهیز از دخل و تصرف، چنین اقتضا می کند که آثار دیگران با اعمال نظر شخصی و دخل و تصرف بیش از اندازه خدشه دار نشود. (همان، ۱۳۸۷: ۲۱-۲۲).

۱-۷-۴ ترجمه شعر

« ترجمه شعر به دلیل محدودیت های مختلف، تقریباً غیر ممکن است؛ زیرا ترجمه ی شعر، یعنی تغییر موجودیت و شکل ظاهری، که در واقع همان جوهر اصلی شعر است. به همین دلیل برخی در مقابل این نوع ترجمه به شدت موضع می گیرند و با برشمردن دلایلی امکان نفی آن را منتفی می دانند.» (همان، ۱۳۸۷: ۲۳)

۱-۷-۵ ترجمه نثر به شعر

« این قسم از ترجمه به نوبه خود، نوعی ابتکار و هنرنمایی در گستره ی ادبیات است و تنها از عهده ی کسانی برمی آید که از ذوق شعری بالایی برخوردار باشند. ترجمه ی نثر به شعر با اینکه ترجمه ی دقیقی نیست اما به وفور مورد استفاده قرار گرفته است.» (همان، ۱۳۸۷: ۲۹)

۱-۷-۶ ترجمه شفاهی

«ترجمه ی شفاهی عموماً مشتمل بر دو بخش یعنی سخنرانی و مصاحبه است. ۱-۶- ترجمه ی سخنرانی. ترجمه ی سخنرانی نیازمند تمرین، تکرار و ممارست فراوان است و اصولاً به سه صورت ترجمه می شود:

الف) ترجمه بر اساس نوشته های گوینده. در صورتی که متن کامل سخنرانی، مکتوب باشد می توان اصل متن را از گوینده اخذ و پس از ترجمه، در انتهای سخنرانی قرائت کرد.

ب) ترجمه ی بند به بند. ترجمه بند به بند یا (پاراگراف به پاراگراف) آن است که سخنران یک بند از سخنان خود را ایراد کند. سپس مترجم همان بند را ترجمه کند. این روال تا پایان سخنرانی ادامه می یابد.

ج) ترجمه ی همزمان. دشوارترین نوع ترجمه، ترجمه ی همزمان است زیرا مترجم فرصت فکر کردن و یا مراجعه به فرهنگ لغت و غیره را به هیچ عنوان ندارد. زیرا در ترجمه ی همزمان، یک یا چند مترجم در سالنهای مجاور کنفرانس مستقر می شوند و صدای سخنران را از طریق گوشی دریافت و بلافاصله اقدام به ترجمه ی سخنرانی به زبانهای مختلف می کنند. صدای مترجمان از طریق فرستنده ی داخل سالن، به گیرنده های مخاطبان منتقل می شود. از آنجا که ممکن است سخنرانی، همزمان به چند زبان ترجمه شود، این اختیار به مخاطب داده می شود تا گیرنده ی خود را که مجهز به چندین کانال است بر اساس زبان انتخابی تنظیم کند.» (همان، ۱۳۸۷: ۳۱-۳۲)

۱-۸ اهمیت "ترجمه" در ادبیات تطبیقی

«ترجمه در سراسر تاریخ جهان، پیوسته عالی ترین عامل نقل و انتقال فرهنگ میان اقوام و ملت های گوناگون بوده است. اهمیت ترجمه و جایگاه آن در پیدایش و گسترش شاخه نوین ادبیات تطبیقی از اواخر دهه هفتاد میلادی بیش

از گذشته آشکار گردید، این متون بخش اصلی تبادلات فرهنگی را تشکیل می‌دهد. آلمان را می‌توان از نخستین کشورهای دانست که در این زمینه کوشش‌های فراوانی را به خود دید. برخی صاحب‌نظران بر این باورند که ماکس کوخ آلمانی، نخستین فردی است که به اهمیت ترجمه در ادبیات تطبیقی اشاره کرده است. (شورل، ۴۰-۵۱)

واقعیت آن است که نمی‌توان شاهکارهای ادبی را که از جهت مفهوم، محتوا و اسلوب جایگاه جهانی دارند؛ آثاری منحصر به یک ملت دانست، بلکه این آثار ادبی متعلق به همه‌ی ادب دوستان جهان است و بر این اساس همه‌ی علاقه‌مندان به این آثار باید از این آثار جاودانه به سهم خودشان استفاده ببرند. در همین راستا، ترجمه به عنوان یک عامل مؤثر و مهم در شناساندن این آثار به دیگران شناخته شده است. براین پایه، کار یک پژوهشگر در ادبیات تطبیقی، عمدتاً متکی بر ترجمه آثار دیگران قرار دارد. زیرا تا ترجمه‌ای از این آثار به علاقه‌مندان ارائه نگردد، هرگز مقایسه و تطبیقی میان آثار ادبی مشابه ملت‌های گوناگون جهان به وجود نخواهد آمد. ارتباط نزدیک ادبیات تطبیقی و ترجمه هرگز مورد غفلت نبوده و روح ترجمه همیشه در ادبیات تطبیقی حضور داشته است.

۱-۹ " ترجمه " در ایران

پیشینه ترجمه در ایران به سده‌های نخستین پس از اسلام بازمی‌گردد. آن‌گاه که داستان‌های کهن مردم ایران زمین از پهلوی به زبان عربی برگردانده شد و قرآن، کتاب آسمانی اسلام، نیز از عربی به زبان فارسی درآمد. برای نشان دادن نقش ترجمه در استوار کردن پیوند میان ادبیات شرقی و به ویژه ادب عربی و فارسی، می‌توان برای نمونه به فرآیند جهانی شدن کتاب کلیله و دمنه اشاره نمود.

ترجمه در مفهوم امروزی آن - که شامل برگردان از زبان‌های اروپایی به زبان فارسی است - در دوره ولیعهدی عباس میرزا و وزارت قائم مقام اول و فرزندش قائم مقام ثانی در عصر قاجار، آغاز گشت.

تا پیش از بنیانگذاری مدرسه دارالفنون، تعداد ترجمه‌ها بسیار اندک بود ولی پس از آن، ترجمه کتاب‌های گوناگون علمی در ایران بالا گرفت و در کنار کتاب‌های علمی و تاریخی، ترجمه رمان‌های علمی و تاریخی مانند رمان‌های علمی ژول ورن به زبان فارسی درآمد.

ترجمه آثار ادبی مانند آثار شیلر، ویکتور هوگو و شکسپیر و سپس ترجمه سروده‌های شاعران رمانتیک فرانسوی به زبان فارسی، زمینه‌های دگرگونی در نثر معاصر فارسی در عصر جدید را فراهم آورد و راه را برای پذیرش قالب‌های جدیدی چون رمان و نمایشنامه در ادبیات فارسی فراهم آورد.

در پی استوار شدن روابط سیاسی ایران و اروپا و ترجمه رمان و نمایشنامه هایی از نویسندگان بزرگ غربی، نویسندگان ایرانی نیز با الهام از این آثار، رمان ها و سفر نامه هایی را به نگارش درآوردند که از آن میان می توان به سیاحتنامه ابراهیم بیگ از زین العابدین مراغه ای اشاره نمود.

از میان مترجمان نامدار ایرانی در دوره معاصر که نقش چشم گیری در نزدیک کردن ادبیات فارسی به ادبیات اروپایی و آشناساختن ایرانیان به آن ادب داشته اند می توان از میرزا حبیب اصفهانی و محمد طاهر میرزا اسکندری و میرزا محمد حسین فروغی و پسر او محمد علی فروغی نام برد که بیش از دیگران در زمینه سازی برای آفرینش آثار تطبیقی کوشش نمودند.» (قبادی، ۱۳۸۳: ۹۱-۱۱۶).

«به نظر من مهم ترین مساله ی زبان فارسی برای ما ترجمه است و سایر مسایل این زبان از قبیل تصحیح متون قدیم و زبان های پیش از اسلام در درجه ی دوم اهمیت قرار دارد. یکی از معایب کار دانشگاه ها و معلمان ادبیات این است که به این مساله ی حیاتی یعنی فارسی معاصر و ترجمه، توجه لازم را نکرده اند و در نتیجه زبان امروز ما تحت تاثیر ترجمه های بد و ناقص قرار گرفته است که ده ها اصطلاح ترجمه ای نامناسب حاصل آن است...»

مساله ی ترجمه و اخذ تعبیرات ترجمه ای و لغات بیگانه خود زاییده ی برخورد زبان ها با یکدیگر است و برخورد زبان ها با هم نیز حاصل برخورد فرهنگ ها با یکدیگر است و این برخورد و پیوند فرهنگ ها و زبان ها با هم یکی از عوامل پیشرفت اجتماعات و و علوم و فنون و معارف است و امری است کاملاً طبیعی و ناگزیر زیرا هیچ زبان و فرهنگی نیست که تحت تاثیر زبان و فرهنگ های دیگر قرار نگرفته باشد.

حاصل جریان طبیعی برخورد فرهنگ ها و زبان ها با هم یکی ورود لغات زبانی است به زبان دیگر به عین لفظ که زبان شناسان آن را عاریه یا قرض می گویند و دیگر مساله ی مهم ترجمه است به این سبب زبان شناسی جدید برای این دو موضوع اهمیت فراوانی قائل شده است و در این زمینه بحث های بسیاری کرده است به خصوص که بعضی از اصطلاحات و تعبیرات ترجمه ای خود نوعی قرض و عاریه اند که می توان آن ها را عناصر قرضی ترجمه ای نامید، مانند بسیاری از تعبیرات علمی و ادبی و هنری و روزنامه ای که وارد زبان ما شده اند. ..

هرچه زبانی از لحاظ علمی و فرهنگی و اقتصادی و اجتماعی غنی تر و قوی تر باشد به زبان های دیگر لغت و مفاهیم بیشتری قرض و عاریه می دهد و هرچه ملتی از نظر علمی و فنی و اقتصادی و مذهبی و سیاسی به کشور دیگر بیشتر احتیاج داشته باشد از آن زبان بیشتر لغت و مفهوم، عاریه و قرض می کند به همین سبب امروز لغات و مفاهیم اروپایی که زبان صنعت و فن و علوم و معارف جدید است بیش از هر زبانی وارد زبان کشورهای کوچک تر و نیازمندتر می شود...

باری این جریان طبیعی یعنی هجوم لغات و مفاهیم جدید کشورهای پیشرفته به زبان ممالک کوچک و در حال پیشرفت مساله ای ایجاد می کند که به سه صورت حل می شود: یک: گرفتن لغات خارجی به عین لفظ. دو: ترجمه. سه: راه بین بین یعنی هم ترجمه و هم گرفتن لغات.» (فرشیدورد، ۱۳۸۱: ۹-۱۰-۱۱)

به نظر می رسد که بهترین نوع ترجمه، ترجمه ای است که به مفهوم متن کاملاً وفادار باشد، ترجمه ای لفظ به لفظ، مفهوم را آن گونه که شایسته است به مخاطب منتقل نمی کند. مخاطب را با یک سری واژه ها رو به رو می کند بدون آن که ارتباط بین جملات را بفهمد، در واقع می توان گفت در این نوع ترجمه، مترجم، واژه ها را همان گونه که در متن اصلی آمده است پشت سر هم ترجمه می کند، بدون توجه به ساختار دستوری زبان مقصد. در ترجمه های مفید باید با تسلط بر زبان مقصد، ساختار واژگانی، دستوری و... زبان رعایت شود تا خواننده گیج و سردرگم نشود. در انتقال مفاهیم متن اصلی باید توجه داشت که مطلبی به متن اصلی اضافه یا کم نشود زیرا در این صورت اصل وفاداری خدشه دار می شود، و امانت داری مترجم زیر سوال می رود. اگر ترجمه به صورت «ترجمه ای آزاد» باشد در این صورت موضوع فرق می کند و باید عنوان ترجمه ای آزاد قید شود تا مخاطب از دخل و تصرف مترجم آگاه شود. ترجمه در ادبیات تطبیقی امر مهمی است زیرا آشنایی ملت ها با ادبیات دیگر ملل غالباً از طریق ترجمه ای آثار آنان صورت می گیرد. ترجمه، باعث آشنایی ملت ها با فرهنگ و آداب و رسوم دیگر ملت ها می شود، و از این می توان به تاثیر و تاثر ادبیات ها پی برد. تعداد کسانی که با زبان های خارجی آشنایی یا تسلط دارند زیاد نیست و برای آشنایی و پی بردن به این تاثیر و تاثرات راهی جز ترجمه، پیش رو نیست. در این راه باید تلاش شود که مترجمان نهایت سعی خود را در ترجمه ای آثاری به کار بگیرند که بتواند این تاثیر و تاثرات را به گونه ای روشن بیان کند.

۱-۰ زندگی نامه ی محمد غنیمی هلال

«محمد غنیمی هلال در روز هفدهم ماه مارس ۱۹۱۶م در یک خانواده ی مذهبی در یکی از دیه های مصر به نام «سلامت» واقع در بخش «الابراهیمیه» در «الشرقیه» دیده به جهان گشود و در ماه ژویه ۱۹۶۸م درگذشت. تحصیلات ابتدایی و دبیرستانی را در الازهر تمام کرد و آن را در «مدرسه دارالعلوم العلیا» و «کلیه دارالعلوم» کنونی ادامه داد و در سال ۱۹۴۱م. فارغ التحصیل شد. دو سال به تدریس پرداخت و دولت مصر در سال ۱۹۴۳م. در نخستین گروه دانشجویان اعزامی، وی را برای تخصص در ادبیات تطبیقی به فرانسه اعزام کرد و در دانشگاه سوربن فرانسه به تحصیل پرداخت. ابتدا براساس قانون دانشگاه لیسانس ادبیات فرانسه را گرفت و سپس چهار دیپلم در رشته های، زبان شناسی، زبان های فارسی، اسپانیایی و انگلیسی را گرفت» (عوض، ۱۹۷۱: ۱۷۰).

«او ادبیات تطبیقی را نزد بنیانگذاران این رشته ژوزف تکست، وان تیگم و گیار فرا گرفت» (قسم البلاغۃ و النقد الادبی والادب المقارن، ۱۹۹۶: ۲۱۱)

«در سال ۱۹۵۲ مدرک دکترای دولتی ادبیات تطبیقی خود را با ارائه‌ی دو پایان نامه که می‌بایست بر اساس قانون دانشگاه یکی در زمینه‌ی ادبیات شرقی و دیگری در زمینه‌ی ادبیات غربی می بود، گرفت» (عوض، ۱۹۷۱: ۷۰)

۱- آثار محمد غنیمی هلال

محمد غنیمی هلال آثار متعددی را در زمینه‌های ادبیات تطبیقی و نقد ادبی تألیف کرده و نمایشنامه‌هایی را از فرانسه به عربی ترجمه نموده است. همچنین دیوان عبدالرحمان جامی و اشعار دیگری را از فارسی به عربی ترجمه نموده است. در این بخش علاوه بر دو رساله‌ی دکترای به آثار وی در زمینه‌ی ادبیات تطبیقی اشاره می‌کنیم که عبارتند از:

الادب المقارن، دور الأدب المقارن فی توجیه دراسات الأدب العربی المعاصر، لیلی و مجنون فی الادب العربی و الفارسی، المواقف الادبی، الحیاة العاطفیة بین العذریة والصوفیة، دراسات نقد و مقارنة حول موضوع مجنون لیلی فی الادب العربی و الفارسی،

النماذج الانسانیة فی دراسات الادبیة المقارنة، فی النقد تطبیقی المقارن، قضایا معاصرة فی الادب و النقد، دراسات و نماذج فی مذاهب الشعر و نقده.

سایر آثار او عبارتند از:

الرومانتیکیة، المدخل الی النقد الأدبی الحدیث، النقد الأدبی الحدیث، ما الأدب (جان پول سارتر) (ترجمه)، السکیر (قصه) هانس والادا (ترجمه از آلمانی)، فولیتر، لانشون (ترجمه) فشل استراتیجیة القنبلة الذریة اثر «میکشیة» از فرانسوی، ماترکنک، بلیاس و ملیزانه (ترجمه)، دکارت، کریسون (ویراستاری ترجمه)، الدعاية قوة سیاسیة جدیدة (ویراستاری)، ترجمه منطق الطیر للطار و مقارنته مع الکومیدیا الالهیة لدانتی، عدو البشر، مولیر - عن الفرنسیة - نمایشنامه، رأس الآخرین (ترجمه از فرانسه) نمایشنامه، مختارات من الشعر الفارسی، مختارات من الشعر الاندلسی و...

فصل دوم

ترجمه ی نه فصل اول کتاب "فی النقد التطبیقی و المقارن" از محمد غنیمی هلال